

## آسیب‌شناسی کارکرد گزاره‌های مرتبط با فعالیت و کار در ادبیات عامیانه با تمرکز بر امثال و حکم، بر بنیاد دیدگاه آلفرد آدلر

علی تسنیمی<sup>۱</sup>، مهیار علوی‌مقدم<sup>۲</sup>، علی صادقی منش<sup>۳</sup>، هستی قادری سُهی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۳

### چکیده

کیفیت و میزان فعالیت و کار در توسعه‌ی اجتماعی یک جامعه نقش بسزایی دارد و تمایل افراد یک جامعه به فعالیت، بستگی به ویژگی‌های روان‌شناختی‌ای دارد که بستر فرهنگی جامعه و خانواده در سبک زندگی آنان گنجانده است. فعالیت یکی از مؤلفه‌های بنیادین در دیدگاه روان‌شناختی آلفرد آدلر است که به همراه علاقه‌ی اجتماعی به عنوان معیار سلامت روانی شناخته می‌شود. ضرب‌المثل‌ها به عنوان یکی از تأثیرگذارترین بخش‌های ادب عامیانه، از سویی نمود حالات روانی و تمایلات گویشوارن یک زبان هستند و از دیگر سو می‌توانند تأثیراتی ژرف بر سبک زندگی افراد یک جامعه بگذارند و کیفیت مؤلفه‌ی "فعالیت" را در دوران شکل‌گیری سبک زندگی تحت تأثیر خود قرار دهند. این پژوهش با پیش چشم داشتن دیدگاه‌های روان‌شناختی آدلر و آسیب‌شناسی ضرب‌المثل‌های فارسی امثال و حکم دهخدا با روش تحلیل محتوای تلخیصی، در پی پاسخ به این پرسش است که گزاره‌های مرتبط با فعالیت و کار در ضرب‌المثل‌های فارسی امثال و حکم بر پایه‌ی دیدگاه آدلر چگونه ارزیابی می‌شوند و چه پیامد و کارکردی دارند. نتیجه‌ی این بررسی نشان از آن دارد که بسامد گزاره‌های تأثیرگذار مثبت در ضرب‌المثل‌های فارسی بالاتر از ضرب‌المثل‌های آسیب‌زاست و این بخش از ادب عامیانه به عنوان سرمایه‌ای فرهنگی می‌تواند در توسعه‌ی اجتماعی به کار گرفته شود.

**واژه‌های کلیدی:** فعالیت؛ ادب عامه؛ امثال و حکم؛ آلفرد آدلر.

۱. a.tasnimi@hsu.ac.ir

۲. m.alavi2007@yahoo.com

۳. birang\_mazinani@yahoo.com

۴. sohghaderi@gmail.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده‌ی مسئول)

۲. دانش‌یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

۳. پسادکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

۴. دانش‌جوی دکتری ادبیات حماسی دانشگاه حکیم سبزواری

## مقدمه

فعالیت و کار و تمایل به آن یکی از مسایل مهم در توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی جوامع است. آن چه سبب می‌شود افراد یک جامعه به فعالیت و کار روی آورند، افزون بر نیاز اقتصادی و حتی در بسیاری از موارد مقدم بر احساس نیاز اقتصادی، شیوه‌ی نگرش آن‌ها به زندگی و در یک کلام سبک زندگی افراد است. سبک زندگی و میزان فعالیت هر فرد تحت تأثیر بستر فرهنگی‌ای شکل می‌گیرد که خانواده و جامعه به فرد القا می‌کند و در این میان، نقش گزاره‌هایی که به شکل ضرب‌المثل در فرهنگ عامیانه وجود دارد، در خور توجه است.

در میان دیدگاه‌هایی که به بررسی فعالیت به عنوان یک مؤلفه‌ی مؤثر بر سبک زندگی پرداخته‌اند، دیدگاه روان‌شناختی آلفرد آدلر<sup>۱</sup> جای‌گاهی ویژه دارد. آدلر ضمن تعریف سبک زندگی به عنوان شیوه‌ی سازگاری و گذار هر فرد از چالش‌های پیش‌رو، فعالیت را به عنوان مؤلفه‌ای مهم و تأثیرگذار بر سبک زندگی، در کنار علاقه‌ی اجتماعی معرفی می‌کند. دیدگاه آدلر می‌تواند به عنوان یک بنیان نظری در بررسی گزاره‌های مرتبط با کار و فعالیت در ضرب‌المثل‌ها به کار گرفته شود تا پژوهش‌گر از برخورد سلیقه‌ای با گزاره‌های فرهنگ عامه در امان بماند و به یافته‌هایی قابل اتکا در این زمینه دست یابد.

توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه به صورت مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر گزاره‌هایی است که در فرهنگ عامیانه به عنوان باورهایی در خور احترام جریان دارد و گه‌گاه در گفت‌وگوها و استدلال‌های عامیانه بدان استناد می‌شود؛ این گزاره‌ها در بسیاری از موارد ضرب‌المثل‌های عامیانه‌ای هستند که هیچ اساس علمی خاصی ندارند و صرفاً به این دلیل که مورد پذیرش جامعه قرار گرفته‌اند و با سلايق آنان هم‌سو بوده‌اند، از چنین اقبالی برخوردار گشته‌اند. تأثیر این گزاره‌ها بر سبک زندگی و میزان و کیفیت فعالیت افراد یک جامعه از مسایلی است که بررسی آن ضرورت دارد. هدف نگارندگان این پژوهش بررسی این مسأله طبق دیدگاه آلفرد آدلر است؛ آدلر در رویکرد روان‌شناختی خود تأکیدی ویژه بر سبک زندگی و فعالیت دارد که می‌تواند مبنای بررسی همه‌جانبه‌ی گزاره‌های مرتبط با کار و فعالیت در ضرب‌المثل‌های فارسی امثال و حکم دهخدا باشد. با چنین رویکردی گزاره‌های مرتبط با دادوستد، پذیرش سختی برای

دست‌یافتن به خواسته‌ها و تخصص‌گرایی در کار، در ضرب‌المثل‌های فارسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا آسیب‌زا بودن یا مفید بودن آن‌ها آشکار گردد.

### طرح مسأله و پرسش‌های بنیادین

به سبب تأثیر ادب عامیانه بر فرهنگ و رفتار روزمره‌ی مردم، این نکته بسیار اهمیت دارد که بدانیم، محتویات ادب عامه از چه ویژگی‌هایی در موضوع کار و فعالیت برخوردار است. بر این اساس بررسی دقیق ضرب‌المثل‌های فارسی بر بنیاد یک نظریه‌ی روان‌شناختی می‌تواند زمینه را برای بررسی تأثیرات این ضرب‌المثل‌ها بر جامعه فراهم کند. پرسش‌های بنیادینی که این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن‌هاست از این قرار هستند:

الف) مفهوم داد و ستد در ضرب‌المثل‌های فارسی به چه شکل به کار رفته و با ارزیابی آن بر اساس نظریات آدلر چه آسیب‌هایی را می‌توان شناسایی کرد؟

ب) مفهوم پذیرش سختی برای دست‌یافتن به خواسته‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی به چه شکل به کار رفته و با ارزیابی آن بر اساس نظریات آدلر چه آسیب‌هایی را می‌توان شناسایی کرد؟

پ) مفهوم تخصص‌گرایی در کار در ضرب‌المثل‌های فارسی به چه شکل به کار رفته و با ارزیابی آن بر اساس نظریات آدلر چه آسیب‌هایی را می‌توان شناسایی کرد؟

بر اساس این پرسش‌ها مجموعه‌ی ضرب‌المثل‌های فارسی امثال و حکم که در پیوند با این مفاهیم بودند، گردآوری و بررسی شدند و طبق یک نگاه کلی‌نگر کارکرد اغلب آن‌ها مثبت ارزیابی شد؛ در ادامه‌ی پژوهش خواهید دید که بررسی دقیق آن‌ها طبق نظریات آدلر نیز همین نکته را اثبات می‌کند.

### روش پژوهش

یکی از بهترین منابع فرهنگ و ادب عامیانه، ضرب‌المثل‌هایی هستند که در میان گویشوران یک زبان رواج دارد؛ ضرب‌المثل‌هایی که در برخی از موارد از چنان اعتباری برخوردار هستند که در گفت‌وگوها بدان استناد می‌شود. برای دست‌یافتن به گزاره‌های مرتبط با کار و فعالیت در فرهنگ عامه، نگارندگان این پژوهش به واکاوی ضرب‌المثل‌های فارسی امثال و حکم دهخدا پرداخته‌اند و این ضرب‌المثل‌ها را با اتکا به رویکرد آلفرد آدلر مورد ارزیابی قرار داده‌اند. در پژوهش پیش‌رو که با روش تحلیل محتوای تلخیصی اجرا شده است، ضرب‌المثل‌های متعدد تحت عناوین معین که مفهوم تلخیص‌شده‌ای از درون‌مایه‌ی آن‌ها بود، گردآوری شدند و بر این اساس

محتوای تلخیص‌شده بر اساس تعداد ضرب‌المثل‌های زیرمجموعه‌ی آن ارزیابی و آمارگیری شد. این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نگارندگان کوشیده‌اند که با ارائه‌ی آمارهای دقیق به آسیب‌شناسی ضرب‌المثل‌ها بپردازند.

### چارچوب نظری

پیش از پرداختن به بحث و بررسی، آشنایی با دیدگاه روان‌شناختی آدلر، به گونه‌ای مختصر، ضرورت دارد. ذکر این نکته ضروری است که در این بررسی صرفاً به آن دسته از نظریات این روان‌شناس خواهیم پرداخت که در آسیب‌شناسی گزاره‌های مرتبط با فعالیت و کار در ضرب‌المثل‌های فارسی کارا باشند؛ با چنین رویکردی افزون بر مؤلفه‌های سبک زندگی و فعالیت در دیدگاه آدلر اصطلاح اشتباه بنیادی نیز تبیین می‌گردد؛ این دیدگاه امکان تعیین مؤلفه‌های آسیب‌زا و غیرآسیب‌زا در ضرب‌المثل‌های امثال و حکم را فراهم می‌کند.

آلفرد آدلر (۱۹۳۷-۱۸۷۰) روان‌شناس اتریشی، یکی از نخستین پیروان فروید<sup>۱</sup> بود که همانند یونگ<sup>۲</sup>، به سبب تأکیدی که فروید بر تأثیر تمایل جنسی در امور انسانی داشت، از او فاصله گرفت و شیوه‌ی روان‌کاوی ویژه‌ی خویش را بنیان نهاد. وی معتقد بود که بشر در درجه‌ی اول، موجودی اجتماعی است تا جنسی (نورد بی و هال، ۱۳۷۹: ۲۳). در ارائه‌ی نظریات آدلر آن بخش از اندیشه‌های وی مورد نظر نگارندگان است که امکان تفکیک ضرب‌المثل‌های آسیب‌زا و غیر آسیب‌زا را برای نگارندگان فراهم می‌کند؛ از این رو به تبیین آن بخش از نظریات وی می‌پردازیم که بر علاقه‌ی اجتماعی، سبک زندگی و اشتباه‌های بنیادی تأکید دارد.

### الف) سبک زندگی<sup>۳</sup>

هدف نهایی هر فرد، برتری و کمال است؛ اما این بدان معنا نیست که همگان از یک راه به سوی این هدف گام بر می‌دارند؛ هر کسی شیوه و سبک منحصر به فرد خویش را برای رسیدن به کمال برمی‌گزیند و در این راستا، ویژگی‌ها، رفتارها و عادات خاص خودش را پرورش می‌دهد.

1 Freud

2 Jung

3 Style of life

کودک برای جبران احساس حقارت خویش، رفتارهایی را برمی‌گزیند و می‌آموزد که به تدریج بخشی از "سبک زندگی" او می‌گردد (شولتز و شولتر، ۱۳۹۴: ۱۹۹).

از میان دیدگاه‌های آدلر، آن چه که وی با عنوان "سبک زندگی" تعریف می‌کند، در خور توجه است؛ به‌ویژه از آن رو که آدلر "سبک زندگی" هر فرد را به عنوان راهی برای فهم آینده‌ی او معرفی می‌کند (آدلر، ۲۰۱۳: ۹۹)؛ بر بنیاد نگاه او «سبک زندگی، معرف نحوه‌ی کنار آمدن شخص با موانع زندگی و شیوه‌ی وی برای یافتن راه حل‌ها و رسیدن به اهدافش است» (شارف، ۱۳۸۴: ۱۴۶). به باور آدلر سبک زندگی تحت تأثیر اوایل کودکی انسان است (آدلر، ۲۰۰۹: ۱۲)؛ باید این نکته را در نظر داشت که وجه تمایز دیدگاه آدلر و زیگموند فروید درباره‌ی تأثیر کودکی بر آینده‌ی فرد، این نکته است که آدلر از اصطلاح "نیروی خلاق خود" سخن می‌گوید؛ بدین معنا که محیط، ویژگی‌هایی اجباری، به ما تحمیل نمی‌کند؛ بلکه انسان مختار است تا با شیوه‌ی تعبیرش از رویدادهای پیرامونی، سبک زندگی خود را خلق کند؛ این بدان معنا است که کودکی گرچه بازه‌ی زمانی بسیار مهمی در شکل‌گیری سبک زندگی است، اما انسان را در موضع انفعال برای پذیرش ناخواسته‌ی تأثیرات قرار نمی‌دهد؛ بلکه انسان، خود، بایستی با شیوه‌ی تعبیر و تفسیری که برای این رویدادهای پیرامونی برمی‌گزیند، به خلق سبک زندگی خود بپردازد و البته پس از خلق آن، سبک زندگی ما ثابت می‌ماند (شولتز و شولتر، ۱۳۹۴: ۲۰۰-۲۰۱). اندکی توجه به اصطلاح سبک زندگی ما را به یاد اصطلاح پیش‌نویس زندگی اریک برن می‌اندازد که مفهومی هم‌راستا با این اصطلاح است و در ادامه‌ی پژوهش به تبیین آن خواهیم پرداخت.

شیوه‌ی برخورد فرد با سه تکلیف مرتبط و مهم در زندگی‌اش، نشان‌دهنده‌ی سبک زندگی وی است؛ این سه تکلیف مهم عبارتند از کار، جامعه و عشق. آدلر سبک‌های زندگی را بر اساس دو بُعد دسته‌بندی می‌کند: علاقه‌ی اجتماعی و میزان فعالیت. در بُعد علاقه‌ی اجتماعی، شاهد دل‌سوزی و تمایل به همکاری با دیگران برای پیش‌برد اهداف اجتماعی هستیم و در بُعد فعالیت، منظور آدلر میزان انرژی‌ای است که فرد برای گذر از موانع و حل مشکلاتش صرف می‌کند (شارف، ۱۳۸۴: ۱۴۶-۱۴۷).

آلفرد آدلر علاقه‌ی اجتماعی را استعداد فطری فرد برای همکاری کردن با دیگران در راستای دست یافتن به اهداف شخصی و اجتماعی تعریف می‌کند (شولتز و شولتر، ۱۳۹۴: ۲۰۲). اهمیت این مفهوم به اندازه‌ای است که آدلر آن را معیار سلامت روانی در نظر می‌گیرد و فرد

کم‌بهره از آن، به باور وی شخصیتی خودم‌محور خواهد شد که دیگران را تحقیر می‌کند و اهداف سازنده‌ای ندارد (شارف، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

### ب) اشتباه بنیادی<sup>۱</sup>

در نقطه‌ی مقابل علاقه‌ی اجتماعی که معیار سلامت روانی است، خطاهایی قرار دارند که موجب اجتناب و کناره‌گیری از دیگران یا خودخواهی و قدرت‌طلبی می‌شوند و در حقیقت جزئی از جنبه‌های خودم‌خرب سبک زندگی افراد هستند (شارف، ۱۳۸۴: ۱۵۸). آدلر در روان‌شناسی خود این خطاها را اشتباه بنیادی می‌نامد (آدلر، ۲۰۰۹: ۱۲). موساک<sup>۲</sup> و مانیاک<sup>۳</sup>، دو تن از تبیین‌کنندگان و پیروان مطرح نگرش آدلر، در نوشتاری با عنوان «روان‌درمانی آدلری»<sup>۴</sup> این اشتباه‌های بنیادی را که در نهایت موجب "سبک زندگی اشتباه" و روان‌رنجوری می‌گردد، به گونه‌ای دقیق دسته‌بندی کرده‌اند که در ادامه همراه با توضیحاتی که شارف در مورد این دسته‌بندی داده است، ارائه می‌گردد:

۱. حکم‌های کلی<sup>۵</sup>: حکم‌های کلی شامل استفاده از کلماتی چون "همه"، "هرگز"، "هر کس" و "هر چیز" می‌شوند و بر اساس این اشتباه، گزاره‌هایی چون "همه مردم با من خصومت دارند"، "زندگی در کل خطرناک است"، "همه باید دوستم داشته باشند"، "من هرگز نمی‌توانم کاری را درست انجام بدهم" یا "همه ناراحت می‌کنند". شکل می‌گیرد که مخرب سبک زندگی فرد است.
۲. اهداف امنیتی غلط یا غیرممکن<sup>۶</sup>: فرد جامعه را در مقابل و علیه خودش می‌بیند و با احساس اضطراب مواجه می‌شود؛ مثلاً "مردم می‌خواهند حقم را ضایع کنند" و "من هرگز موفق نخواهم شد"، "یک گام اشتباه برداری، مرده‌ای!".
۳. برداشت غلط در مورد زندگی و الزامات زندگی<sup>۷</sup>: مثلاً "زندگی خیلی سخت است"، "من هرگز شانس نمی‌آورم"، "زندگی هیچ زنگ تفریحی به من نمی‌دهد!".

1 Fundamental error

2 Mosak

3 Maniac

4 Adlerian psychotherapy

5 Overgeneralizations

6 False or impossible goals of security

7 Misperceptions of life and life's demands

۴. خوار کردن یا بی‌ارزش جلوه دادن خود<sup>۱</sup>؛ در این خطا، شخص اظهاراتی مبنی بر بی‌ارزش بودنش می‌کند؛ مانند "من احمقم"، "هیچ‌کس دوستم ندارد" و یا "من فقط یک زنِ خانه‌دارِ ناتوانم!".

۵. ارزش‌های اشتباه<sup>۲</sup>؛ این خطا با رفتار رابطه دارد؛ برای نمونه گزاره‌هایی چون: "اگر می‌خواهی کارت راه بیفتد، باید تقلب کنی"، "حق دیگران را ضایع کن قبل از آن که حق تو را ضایع کنند" و یا "اول باش! حتی اگر مجبور بودی بر روی دیگران بایستی!" (موساک و مانیایکی، ۸۷:۲۰۱۰ و شارف، ۱۳۸۴:۱۵۸).

از آن‌جا که ضرب‌المثل‌ها به عنوان بخشی از ادبیات عامیانه، ممکن است در محیط خانواده و جامعه به کار روند و حتی به کارگیری آن‌ها بر تربیت کودک و به اصطلاح آدلر "سبک زندگی" آن‌ها تأثیر بگذارد، توجه به این نکته که از "اشتباه‌های بنیادی" تهی باشند، باید یکی از دغدغه‌های اصلی پژوهش‌گران این حوزه باشد.

### پیشینه‌ی پژوهش

طبق بررسی‌های صورت گرفته، آثاری که در روش و یا موضوع نگارش به پژوهش پیش‌رو شباهت داشته‌اند عبارتند از:

۱. «عناصر فرهنگ سیاسی عامه» (۱۳۷۱) نوشته‌ی مه‌رمان سهراب‌زاده که مقاله‌ای است مختصر درباره‌ی عناصر فرهنگ سیاسی عامه که گرچه اشاراتی به فرهنگ عامیانه در آن وجود دارد (ر.ک: سهراب‌زاده، ۱۳۷۱: ۶۳-۶۰)، از نظر شیوه‌ی کار با پژوهش پیش‌رو کاملاً متفاوت است.

۲. فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی (مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران در آینه‌ی امثال و حکم) (۱۳۸۷) نوشته‌ی علی‌اکبر عباسیان، کتابی است که با دسته‌بندی‌های مفیدی که از برخی ضرب‌المثل‌های فارسی ارائه می‌دهد، می‌تواند برای دست یافتن به درکی کلی از امثال و حکم پارسی مفید باشد. اما از نظر دیدگاه مورد استفاده در بررسی ضرب‌المثل‌ها با پژوهش پیش‌رو کاملاً متفاوت است؛ در حقیقت پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از آرای آلفرد آدلر و اریک برن<sup>۳</sup> در بررسی ضرب‌المثل‌ها، درکی عمیق از چرایی تأثیرات روان‌شناختی برخی ضرب‌المثل‌ها ارائه می‌کند که

1 Minimizations or denial of one's worth

2 Faulty values

3 . Eric Berne

این درک می‌تواند در پیش‌گیری از گسترش چنین نگرش‌هایی کارآمد و مؤثر باشد؛ در حالی که کتاب ذکر شده، با وجود آن که در نوع خود در خور توجه است، چنین قابلیت‌هایی را ندارد.

۳. «بررسی و تحلیل منطقی لغزش‌های فکری خرد عامه در ضرب‌المثل‌های فارسی» (۱۳۹۰) نوشته‌ی جمیله فاطمی، پژوهشی است که با توجه به کوشش برای یافتن لغزش‌های فکری به مقاله‌ی پیش رو، شباهت‌هایی دارد؛ اما موضوع آن بسیار کلی است و فاقد یک نظریه‌ی بنیادین برای بررسی ضرب‌المثل‌ها است.

۴. «آسیب‌شناسی روان‌شناختی آلودگی‌ها در امثال و حکم دهخدا بر اساس نظریه‌ی اریک برن» (۲۰۱۶)،<sup>۱</sup> نوشته‌ی ابراهیم استاجی و علی صادقی منش، از نظر شیوه‌ی پرداختن به ضرب‌المثل‌ها شباهت افزون‌تری به کار پیش‌رو دارد، اما از نظر جامع‌بودن، دقت، پرداختن به بسامدها و... مقاله‌ی پیش‌رو را باید در نوع خود نو و در شیوه‌ی پژوهش کاملاً تازه و بدیع دانست.

۵. «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری» (۱۳۹۲) نوشته‌ی تقی آزاد ارمکی، مجتبی ترکارانی و ایرج حق‌ندری که با تأکید بر مؤلفه‌ی "توسعه یافتگی" به بررسی ضرب‌المثل‌های لری پرداخته است.

۶. «هنجارهای ارتباطی در ضرب‌المثل‌ها و یازده قرن اشعار فارسی» (۱۳۸۶) نوشته‌ی مهدی محسنیان راد که تأکید آن بر هنجارهای ارتباطی‌ای است که می‌توان در ضرب‌المثل‌ها یافت؛ موضوع و شیوه‌ی پرداختن به کار با مقاله‌ی پیش‌رو متفاوت است.

۷. «حکومت و سیاست در آیین‌های ضرب‌المثل‌های فارسی» (۱۳۹۴) نوشته‌ی بهادر باقری و سادینا امینی که مقاله‌ای است در خور توجه پیرامون تأثیر حکومت‌ها و سیاست بر ضرب‌المثل‌ها. اما در کل اساس و شیوه‌ی نویسندگان در بررسی این موضوع، با پژوهش پیش‌رو تفاوت بسیار دارد.

۸. آسیب‌شناسی ضرب‌المثل‌های ایرانی (۱۳۹۲) کتابی نوشته‌ی مجتبی قاسملو که در آن نویسنده بر اساس باورهای خود و بدون یک ساختار منظم، به تفسیر برخی ضرب‌المثل‌ها پرداخته است. گرچه برخی تفسیرها و پیامدهایی که برای آن‌ها ذکر شده است در خور توجه است، اما نمی‌توان

1 "Pathology of the psychological contaminations in Dehkhoda's Amsalo Hekam based on the thought of Eric Berne" (2016).



آن را یک پژوهش نظام‌مند دانست؛ به‌ویژه که در برخی موارد، سلاقی نگارنده در تحلیل ضرب‌المثل‌ها دخیل شده است.

۹. «ضرب‌المثل درمانی و درمان شناختی - رفتاری» (۱۳۸۵) نوشته‌ی احمد امانی یک مقاله‌ی ارزشمند و کاربردی است که در آن راه‌کارهایی برای روان‌درمانی با بهره‌گیری از ضرب‌المثل‌ها ارائه شده است. تمرکز کار بر ارائه‌ی روان‌درمانی است و موضوع آن، بررسی یا آسیب‌شناسی ضرب‌المثل‌ها نیست.

۱۰. «مطالعه‌ی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در ضرب‌المثل‌های فارسی» (۱۳۸۸) مقاله‌ای نوشته‌ی مهران سهراب‌زاده و بهجت یزدخواستی که در آن نویسندگان با نگاهی دقیق به بررسی ساختارهای اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی پرداخته‌اند. این مقاله از نظر رویکرد، شیوه، ساختار و تمرکز موضوعی با پژوهش پیش‌رو متفاوت است.

۱۱. «بررسی مردم‌شناختی ویژگی‌های فرهنگی و اقلیمی در ضرب‌المثل‌های شهر کرمان» (۱۳۹۱) نوشته‌ی کمال جوانمرد و مهناز نجیب‌زاده که با تمرکز بر ضرب‌المثل‌های کرمانی نگاشته شده است و از نظر موضوعی و رویکرد مورد اتکا با پژوهش پیش‌رو متفاوت است.

۱۲. «سخنی در زمینه‌ی امثال (طرز طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌ها و استفاده از آن در مطالعه‌ی تطبیقی خصوصیات اخلاقی ملل)» (۱۳۵۶) نوشته‌ی محمدحسین رضوانیان که مقاله‌ای است کلی و از نظر موضوعی، رویکرد و اهداف با پژوهش پیش‌رو متفاوت است.

۱۳. «فولکلور ابزاری برای مطالعات فرهنگی (نمونه‌ی مورد مطالعه ضرب‌المثل‌های همدانی)» (۱۳۹۲) نوشته‌ی علیرضا قبادی که با اتکا به بررسی ضرب‌المثل‌های همدانی، کلیات مفیدی در مورد نقش ادبیات عامیانه در مطالعات فرهنگی در آن آمده است.

۱۴. «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی» (۱۳۸۶) نوشته‌ی حسن ذوالفقاری که مقاله‌ای دقیق پیرامون نمود یافتن هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌ها است.

۱۵. «حوزه‌ی ضرب‌المثل‌ها و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها» (۱۳۸۲) نوشته‌ی زهرا فدایی‌پور که ضرب‌المثل‌ها را به عنوان زمینه‌ای مناسب برای گفت‌وگوی بین فرهنگی مورد بررسی قرار داده است.

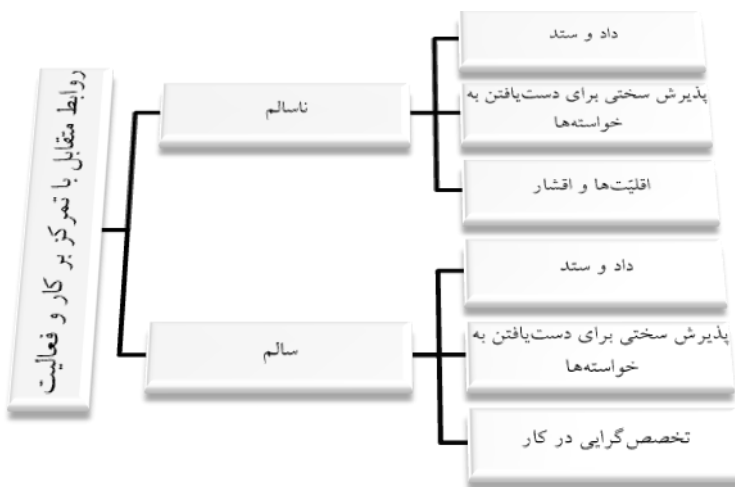
۱۶. تاریخ‌پژوهی در آسیب‌شناسی اخلاقی ایرانی‌ها (۱۳۹۲) نوشته‌ی عباسقلی غفاری فرد کتابی است که در آن با تکیه بر شواهد تاریخی به آسیب‌شناسی اخلاق ایرانیان پرداخته است. تأکید این اثر بر تاریخ و رویکرد و شیوه‌ی بررسی در آن با پژوهش پیش‌رو متفاوت است.

آن چه این مقاله را از مقالات یاد شده متمایز می‌کند، پرداختن به کار، فعالیت و از یک دیدگاه کل‌نگر، توسعه‌ی اقتصادی با بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی است؛ در حقیقت نگارندگان با بهره‌گیری از رویکرد آلفرد آدلر ضرب‌المثل‌های فارسی را به عنوان بخشی مهم از فرهنگ عامه مورد آسیب‌شناسی قرار می‌دهند تا با تکیه بر آن عوامل مثبت و منفی موجود در فرهنگ عامه را در حوزه‌ی کار و فعالیت ارزیابی کنند.

### بحث و بررسی

#### آسیب‌شناسی کارکرد گزاره‌های مرتبط با کار و فعالیت در ضرب‌المثل‌های فارسی

یکی از مفاهیم مهم در نظریه‌ی آدلر، مفهوم کار و فعالیت و این مسأله است که یک فرد چه میزان کار و فعالیت را برای گذر از موانع زندگی‌اش ضروری می‌داند. این نگرش، نقش مؤثری بر سبک زندگی فرد می‌گذارد. آسیب‌شناسی روابط متقابل با تمرکز بر مفهوم کار و فعالیت در ضرب‌المثل‌های پارسی، می‌تواند جزئیات دقیقی از مؤلفه‌های فرهنگی پارسی‌زبانان به دست دهد که بر سبک زندگی گویشوران این زبان و در توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی آنان تأثیر اساسی دارد.



نمودار شماره‌ی یک - دسته‌بندی مؤلفه‌های مورد بررسی در مفهوم روابط متقابل با تمرکز بر کار و فعالیت

در نمودار درختی بالا می‌توانید زیرمجموعه‌هایی را که این بخش از آسیب‌شناسی بر آن‌ها تمرکز کرده است، دریابید. در ادامه عناوین موجود در این نمودار برای تبیین دقیق‌تر به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

#### دادوستد

دادوستد و مفاهیم مرتبط با آن یکی از موضوعاتی است که با مفهوم کار و فعالیت ارتباط دارد و بررسی آن می‌تواند به درک روابط متقابلی بینجامد که در این حیطه صورت می‌گیرد. در کل آسیب‌شناسی کارکرد ضرب‌المثل‌های فارسی نشان می‌دهد که بسامد مثل‌های سالم با این موضوع بالاتر از میزان بسامد مثل‌های ناسالم است.

درصد ضرب‌المثل‌های سالم و ناسالم با موضوع

داد و ستد

ضرب‌المثل‌های سالم: ۷۳٫۶ درصد  
ضرب‌المثل‌های ناسالم: ۲۶٫۴ درصد



#### نمودار شماره‌ی دو - بسامد ضرب‌المثل‌های سالم و ناسالم با موضوع داد و ستد

چنان‌که در نمودار دایره‌ای بالا نیز مشهود است، ۷۳/۶ درصد از ضرب‌المثل‌های این دسته سالم و ۲۶/۴ درصد ناسالم هستند. البته میزان ضرب‌المثل‌های ناسالم به گونه‌ای نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت و این نکته که بیش از یک چهارم ضرب‌المثل‌ها کارکرد ناسالم دارند، نشان از ضرورت بررسی این مثل‌ها و مفاهیم نهفته در آن دارد.

بی‌توجهی به تعهد و راستی در دادوستد یکی از مفاهیمی است که ۵۱/۵۱۵ درصد از مفاهیم زیرمجموعه‌ی ناسالم دادوستد را به خود اختصاص داده است؛ بر پایه‌ی دیدگاه آدلر چنین ضرب‌المثل‌هایی دارای اشتباه بنیادی "ارزش‌های اشتباه" بودند؛ بدان معنا که برای رسیدن به سود،

فرد به خود اجازه می‌دهد که مخاطبش را دچار زیان کند؛ از آن جمله می‌توان به مثل‌های زیر اشاره کرد:

- «از دبه کسی بدی ندیده» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱۲۸/۱).

- «تا که احمق باقی است اندر جهان مرد مفلس کی شود محتاج نان» (همان: ۵۳۷/۱).

- «تا ابله در جهان است، مفلس در نمی‌ماند» (همان: ۵۲۸/۱).

- «چنین است و زین‌گونه تا بد بس است زیان کسی سود دیگر کس است» (همان: ۶۲۶/۲).

- «دبه بی‌روغن نمی‌شود» (همان: ۷۷۵/۲).

- «زیان کسان، سود دیگر کس است» (همان: ۹۳۲/۲).

- «مال خودم مال خودم، مال مردم هم مال خودم» (همان: ۱۳۹۱/۳).

روشن و آشکار است که رواج یافتن چنین مثل‌هایی، تا به چه حد می‌تواند به تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌ویژه جنبه‌ی اقتصادی آسیب بزند. در تبیین چرایی وجود چنین نگرشی در افراد که "زیان کسان را سود دیگر کس" می‌دانند، آدلر دیدگاه در خور توجهی دارد؛ به باور او ارتباطی تنگاتنگ میان فقدان "علاقه‌ی اجتماعی" و داد و ستد با هدف به زانو درآوردن رقبا وجود دارد؛ بر این اساس تجارت‌پیشگان کم‌تر نگران رفاه رقیبان خود هستند. حتی در جوامع مدرن برخی از شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری با این کارکرد ایجاد می‌شوند که سود بردن یک تاجر را به گونه‌ای مدیریت کنند که به شکست تاجری دیگر بینجامد. گرچه این تصور نیتی شرورانه در درون خود دارد، اما هیچ مجازاتی برای به کار برندگان این شیوه وجود ندارد. در روش‌های داد و ستدی که امروزه وجود دارد، علاقه‌ی اجتماعی نقشی اندک ایفا می‌کند. این شیوه از دادوستد اگر گسترش یابد، کل زندگی اجتماعی ما را تباہ می‌کند (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۵۹). به باور او این شیوه‌ی دادوستد، بدبینی را میان کاسبان و تاجر افزایش می‌دهد؛ در حقیقت به سبب همین چیدمان نادرست روابط در دادوستد و کمبود عنصر علاقه‌ی اجتماعی در آن است که روابط اقتصادی در جوامع، با مشکلات و موانع زیادی مواجه می‌گردد و ضرب‌المثل‌هایی با مفاهیمی چون «بود هم‌پیشه با هم‌پیشه دشمن» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۴۷۳/۱) یا «همکار، همکار را نمی‌توان دید» (همان: ۱۹۹۳/۴) در بستر روابط عامه شکل می‌گیرد؛ چراکه حتی آن دسته از افراد که بهترین مقاصد و نیات را دارند باید به سبب مسایلی که در این وضعیت به وجود می‌آید، تا آن‌جا که ممکن است خودشان را محافظت کنند؛ در کل باید پذیرفت که زیر فشار رقابت تجاری در این شرایط، داشتن علاقه‌ی اجتماعی دشوار است؛ به طوری که امروزه می‌بینیم همکاری افراد در راستای امور سودمند

همگانی نیز بسیار سخت صورت می‌گیرد (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۵۹). چنین وضعیتی در نهایت موجب ترویج بدگمانی در داد و ستد و امور مالی می‌گردد که در زیردسته‌ی ناسالم مورد بررسی ۴۸/۴۸۴ درصد بسامد دارد. در این ضرب‌المثل‌ها شاهد اشتباه بنیادی "اهداف امنیتی غلط" هستیم که طبق آن فرد بخشی از جامعه را در مقابل و علیه خودش می‌بیند و احساس اضطراب می‌کند و با چنین رویکرد بدبینانه‌ای کار می‌کند. ضرب‌المثل‌های زیر از آن جمله‌اند:

- «همه کس دزد دان، کالا ننگه دار» (همان: ۲۰۰۱/۴).

- «ضامن مشو و امانت از کس مستان» (همان: ۱۰۶۲/۲).

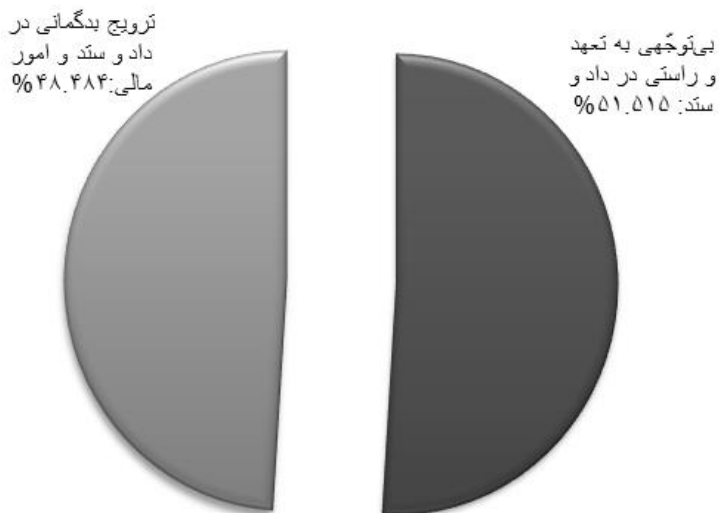
- «نسیه آخر به دعوا رسبه» (همان: ۱۸۱۲/۴).

- «پول ما سکه‌ی عمر دارد!» (همان: ۵۱۷/۱). در توضیح آمده است با این که ما به اندازه‌ی

دیگران پول می‌دهیم، اما آن خدمت و احترام که به سایرین می‌کنند به ما روا نمی‌دارند (همان‌جا).

- «به بده‌کاری که هیچ نگویند، طلب‌کار شود» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۳۷۹/۱).

در نمودار دایره‌ای زیر می‌توانید بسامد مفاهیم ناسالم با موضوع دادوستد را مشاهده کنید.



نمودار شماره‌ی سه - بسامد مفاهیم ناسالم پیرامون دادوستد

ضرب‌المثل‌های سالم با مفهوم مرتبط با دادوستد که نزدیک ۷۴ درصد کل مَثَل‌های مرتبط با این موضوع را تشکیل می‌دهند، درون‌مایه‌ی بالغانه دارند و از هر گونه اشتباه بنیادی یا آلودگی تهی هستند؛ از آن‌جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «مر مرا آنچه نخواهی که بخری مفروش بر تنم آنچه تنت را مپسندی مپسند» (همان: ۱۵۳۱/۳).

- «همه کس پی سود باشد دوان نخواهد کسی خویشان را زیان» (همان: ۲۰۰۱/۴).

- «با بد و نیک وقت داد و ستد نکند هیچ نیک هرگز بد» (همان: ۳۴۶/۱).

- «کسی کو زیان کسان سود خویش شمارد منه سوی وی پای پیش» (همان: ۱۲۱۵/۳).

- «کار ناکرده را مزد نباشد» (همان: ۱۱۸۰/۳).

- «پول را آدم پیدا می‌کند، آدم را پول پیدا نمی‌کند» (همان: ۵۱۷/۱).

- «به آسیا چو شدی پاس دار نوبت را» (همان: ۳۷۴/۱).

- «باید متاع نیکو دکان ز هر که باشد» (همان: ۳۷۳/۱).

- «اگر خواهی فریفته نباشی، آنچه نهاده‌ای برمدار» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲۱۲/۱).

- «اشتباه، بر می‌گردد» (همان: ۱۷۸/۱). طبق توضیح دهخدا این ضرب‌المثل در حساب و کتاب

کاربرد دارد و هرگاه سهوی در حساب رخ دهد، همیشه پس از ظاهر شدن، زیان‌دیده می‌تواند جبران آن را بخواهد (همان‌جا). نگرشی است برآمده از حالت بالغ و منطقی.

با توجه به گستره‌ی درخور توجه بسامد مَثَل‌های سالم، می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت فرهنگی موجود در این زمینه، از گسترش آفاتی چون "بی‌توجهی به تعهد و راستی در دادوستد" و نیز "بدگمانی در دادوستد و امور مالی" در جامعه جلوگیری کرد. لازم به یادآوری است که ضرب‌المثل‌های سالم با این مفهوم، به موارد بالا محدود نمی‌شوند.<sup>۳</sup>

#### پذیرش سختی برای دست‌یافتن به خواسته‌ها

یکی از مؤلفه‌هایی که نشان از واقع‌گرایی فرد و نگرش بالغانه‌ی وی دارد، پذیرش این موضوع است که برای دست‌یافتن به هر خواسته‌ای باید تلاش کرد و سختی‌های آن را پذیرفت؛ اما برخی از افراد چنین نگرشی ندارند و به بیان آدلر دچار گونه‌ای بزدلی و ترس هستند که باعث می‌شود از کار و پذیرش سختی آن سر باز زنند. بزدلی آن‌ها سبب می‌شود تا بیش از اندازه به امنیت و راحتی خود بیندیشند و تنها هدف آن‌ها این است که از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی

کنند(آدلر، ۱۳۷۹: ۱۶۵). بر بنیاد دیدگاه آدلر این شیوه‌ی تفکر و زندگی، مخرب سبک زندگی فرد است و ناسالم محسوب می‌شود. در ضرب‌المثل‌های فارسی چنین نگرشی، گرچه با بسامد اندک، نمود یافته است<sup>۴</sup> و در آن‌ها می‌توان مفاهیمی چون تشویق به تنبلی، پرهیز از کار دشوار و القای بی‌فایده بودن تلاش را مشاهده کرد؛ ضرب‌المثل‌هایی چون:

- «خدا یار تنبل‌هاست» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۷۲۱/۲).

- «خدا یار شلخته‌هاست» (همان: ۷۲۱/۲).

- «به کوشش به نگردد هیچ بدتر» (همان: ۴۵۲/۱).

- «از پر دویدن پوزار پاره می‌شود» (همان: ۱۰۹/۱).

- «کوشش چه سود، چون نکند بخت یآوری» (همان: ۱۲۴۷/۳).

- «به رنج، در رنج توان افزود! در روزی نتوان افزود!» (همان: ۴۲۷/۱).

- «نه کم گردد از رنج روزی نه بیش» (همان: ۹۸/۱).

چنان‌که در نمودار دایره‌ای زیر مشاهده می‌کنید، میزان بسامد این ضرب‌المثل‌های ناسالم،

۸/۱۱۸ درصد است.

درصد ضرب‌المثل‌های سالم و ناسالم با موضوع پذیرش سختی برای دست‌یافتن به خواسته‌ها

ضرب‌المثل‌های سالم: ۹۱.۸۸۱ درصد

ضرب‌المثل‌های ناسالم: ۸.۱۱۸ درصد



نمودار شماره‌ی چهار- بسامد ضرب‌المثل‌های سالم و ناسالم با موضوع پذیرش سختی برای دست‌یافتن به خواسته

بسامد بالای ضرب‌المثل‌های سالم با این موضوع، نشان از پیش‌زمینه‌ی فرهنگی ارزشمند پارسی‌زبانان در حوزه‌ی این موضوع دارد. از جمله ضرب‌المثل‌هایی که در مفهوم "پذیرش سختی برای دست یافتن به خواسته‌ها" اشتراک دارند و از پیام و درون‌مایه‌ی آن‌ها برآمده از "حالت من بالغ" است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- «هر که نهد پای جلادت به پیش عاقبت از پیش برد کار خویش» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱۹۶۸/۴).
- «یا بر مراد بر سر گردون نهیم پای یا مردوار بر سر همت نهیم سر» (همان: ۲۰۲۳/۴).
- «همه قسمت نیست، همت هم هست» (همان: ۲۰۰۰/۴).
- «بردارد کام هر که با کار بساخت» (همان: ۴۱۹/۱).
- «همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده‌اند» (همان: ۱۹۸۷/۴).
- «همت جهان‌سنج میزان بود» (همان: ۱۹۸۸/۴).
- «هر که کاوش عسل کند، انگشتی لیسد» (همان: ۱۹۶۶/۴).
- «هر که رنجی برد گنجی شد پدید هر که جدی کرد در جدی رسید» (همان: ۱۹۶۴/۴).
- «گرت گنج باید به تن رنج بر که در رنج تن یابی از رنج بر» (همان: ۱۲۸۱/۳).
- «بنده‌ی رنج باش و راحت بین» (همان: ۴۶۷/۱).
- «از صبر نردبان‌ت بیاید کرد گر زیر خویش خواهی جوزا را» (همان: ۱۳۷/۱).
- «از اسب دو از صاحبش جو» (همان: ۱۰۰/۱).
- «از رنج یابد سرافراز گنج» (همان: ۱۳۲/۱).

بسامد ۹۱/۸۸۱ درصدی این ضرب‌المثل‌ها نشان از آن دارد که با تمرکز بر ترویج این گنجینه‌ی فرهنگی می‌توان بخشی از مسایل و مشکلات اقتصادی را که برآیند کم‌کاری و تن‌ندادن افراد به امور دشوار هستند، بهبود بخشید.<sup>۵</sup>

### تخصص‌گرایی در کار

درخشان‌ترین بسامد ضرب‌المثل‌های سالم فارسی را در زیرمجموعه‌ی تخصص‌گرایی در کار می‌توان یافت؛ ۹۵/۹۰۱ درصد از ضرب‌المثل‌های این بخش بالغانه هستند و سالم‌ارزیایی شدند و تنها ۴/۰۹۸ درصد ناسالم هستند. این بدان معناست که نگرش غالب موجود در ضرب‌المثل‌ها به گونه‌ای حداکثری بر تخصص‌گرایی تأکید دارد.



درصد ضرب‌المثل‌های سالم و ناسالم با موضوع

تخصص‌گرایی در کار

ضرب‌المثل‌های سالم: ۹۵.۹۰ درصد

ضرب‌المثل‌های ناسالم: ۴.۰۹۸ درصد



نمودار شماره‌ی پنج - بسامد ضرب‌المثل‌های سالم و ناسالم با موضوع تخصص‌گرایی در کار

اندک ضرب‌المثل‌های ناسالم موجود در این موضوع دچار اشتباه بنیادی نوع پنجم، یعنی "ارزش‌های اشتباه" هستند (همان: ۱ / ۱۹۳؛ ۱۳۹۰: ۱ / ۴۱۳)؛ ضرب‌المثل‌هایی چون «آب برای من ندارد، نان که برای تو دارد» (همان: ۴ / ۱). در توضیح این ضرب‌المثل باید گفت که طبق روایت دهخدا، حاج میرزا آقاسی به حفر قناتی امر کرده بود که مقنی، بر این باور بود که آن زمین آب ندارد؛ حاجی او را ابله خطاب می‌کند و این سخن را به او می‌گوید... (همان). چنین ضرب‌المثل‌های مصداق بی‌توجهی به تخصص در کار و مروج سودجویی صرف هستند.

برخی از ضرب‌المثل‌های سالم این بخش را در زیر می‌توانید مشاهده کنید:

- «بوزینه را با درودگری چه کار؟» (همان: ۱ / ۴۷۳).

- «هر مردی را کاری» (همان: ۴ / ۱۹۷۳).

- «هرگز به نادان بی‌راه و خرد

چو از تو ستاند تن آسان شود

- «کار به کاردان سپارید» (همان: ۳ / ۱۱۷۲).

- «کار بزرگان نبود کار خرد» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۳ / ۱۱۷۲).

- «بوریا باف اگر چه بافنده است

نبرندش به کارگاه حریر» (همان: ۱ / ۴۷۳).

- «کار بوزینه نیست نجاری» (همان: ۱۱۷۳/۳).

- «به ناآزموده کار مفرما و به آزموده استادی مکن» (همان: ۴۶۵/۱).

- «به ناکار دیده مفرمای کار» (همان: ۴۶۵/۱).

- «به کارهای گران مرد کار دیده فرست» (همان: ۴۴۹/۱).

چنان‌که پیش‌تر نیز گفته شد، ضرب‌المثل‌های سالم این بخش، بیش از ۹۵ درصد بسامد دارند و به موارد یاد شده در بالا محدود نمی‌شوند.

نگاهی گذرا به وضعیت فعلی جامعه‌ی ایران، شبهه‌اتی در مورد تطبیق پیش‌زمینه‌ی فرهنگی موجود در ضرب‌المثل‌ها با واقعیت موجود جامعه پدید می‌آورد. در این که این پیش‌زمینه مثبت فرهنگی می‌تواند تأثیرات مثبت گسترده‌ای بر فرهنگ و در پی آن اقتصاد جامعه بگذارد، تردیدی وجود ندارد؛ اما این بسامد بالای ضرب‌المثل‌های سالم، هم‌خوانی چندانی با وضعیت فعلی اجتماع ایران ندارد. با نگاهی گذرا می‌توان بسیاری از افراد را دید که در جای‌گاهی که به تخصص آنان مرتبط نیست مشغول فعالیت هستند. دلیل این عدم هماهنگی را می‌توان در یکی از تحلیل‌های آدلر جست. او بر این باور است که اقتصاد تمدن‌های کهن بر اساس بردگی بنا نهاده شده بود. در زمان‌های قدیم بر اساس باور عمومی، شغل‌های پست و حقیر به طبقه‌ی بردگان اختصاص داشت و کارفرمایان که از طبقه‌ی اشراف بودند، تنها فرمان می‌دادند و کار خاصی انجام نمی‌دادند که مسأله‌ی تخصص‌گرایی در مورد آنان صدق کند؛ این باور کلی وجود داشت که تمام صفات ارزشمند در شخصیت کارفرما جمع شده و او حق دارد که خود را با همراهی کارگران عادی و کثیف، آلوده نکند. دلیل این تصور را باید در این نکته جست که طبقه‌ی حاکم و کارفرما مرکب از اشراف جامعه بودند. حکومت، تحت سلطه‌ی بهترین‌ها بود؛ اما معیار این بهترین بودن، نه تخصص که قدرت و جای‌گاه اجتماعی خانواده‌ها تلقی می‌شد؛ فضایل، توانمندی‌ها و صفات برای آنان مد نظر نبود. دسته‌بندی فقط در میان بردگان انجام می‌شد، اشرافی کسی بود که قدرت داشت و تنها کارش فرمان دادن بود (آدلر، ۱۳۷۹: ۱۷۸)؛ بنابراین زمانی که سخن از سپردن کار به کاردان و... است، جامعه‌ای را باید تصور کرد که در آن طبقه‌ای کارگر سلطه‌پذیر کار می‌کنند و طبقه‌ای خودبرترپندار فقط فرمان می‌دهند. بنابراین تخصص‌گرایی در کار صرفاً ناظر بر انتخاب کارگرا برای کارهاست. این شرایطی است که در آن "والدسالاری" مشهود است. چنین نگرشی به سبب

سابقه‌داشتن نظام اجتماعی طبقاتی<sup>۱</sup> در ایران پیش از اسلام، می‌تواند محتمل باشد. به همین سبب است که چنین نگرش غالب فرهنگی‌ای، زمانی که به جامعه‌ی امروزی می‌رسد، برآیند آن تخصص‌گرایی به معنای واقعی نیست؛ بلکه افرادی که با عنوان آقازاده‌ها شناخته می‌شوند و از خانواده‌های صاحب قدرت سیاسی یا اقتصادی هستند، تمام شغل‌ها و جای‌گاه‌های به اصطلاح شایسته را بدون توجه به تخصص اشغال می‌کنند و تنها برای انتخاب کارگران مشاغل سطح پایین، می‌کوشند تخصص را به عنوان یک معیار در نظر بگیرند؛ آشکار است که این افراد که خود تخصص کافی برای برعهده گرفتن چنین مسؤلیت‌هایی را نداشته‌اند، به ندرت می‌توانند کارگران متخصص در امور مختلف را نیز در جای‌گاه مناسب قرار دهند. وضعیت ناخوشایند جامعه در تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری، چه بسا به همین سبب باشد.

### نتیجه‌گیری

بسامد ۸۸/۴۱۶ درصدی ضرب‌المثل‌های غیرآسیب‌زا و سالم، گزاره‌های مرتبط با فعالیت و کار در ضرب‌المثل‌های فارسی امثال و حکم، نشان از پیش‌زمینه‌ی فرهنگی درخشان پارسی‌زبانان در این حوزه‌ی مفهومی دارد و علت این پیش‌زمینه‌ی ارزشمند فرهنگی، هر چه که باشد، می‌توان از آن برای بهبود شرایط اقتصادی و فضای کسب و کار بهره برد.

ضرب‌المثل‌های سالم: ۸۸.۴۱۶ درصد  
 ضرب‌المثل‌های ناسالم: ۱۱.۵۸۳ درصد



نمودار شماره‌ی شش - بسامد ضرب‌المثل‌های سالم "روابط متقابل با تمرکز بر کار و فعالیت"

فضای مثبت ضرب‌المثل‌های فارسی با این موضوع، از جمله ظرفیت‌های بالقوه‌ی فرهنگ عامه است که ترویج آن می‌تواند به بالفعل شدن آن بینجامد. تأکید بر ادب عامه و به‌ویژه ضرب‌المثل‌هایی که پیرامون موضوع کار و فعالیت در ادب فارسی وجود دارند، می‌تواند نگرشی مثبت به دادوستد ایجاد و جامعه را برای پذیرش سختی‌ها و تخصص‌گرایی آماده کند. بررسی دقیق این ضرب‌المثل‌ها طبق دیدگاه‌های آلفرد آدلر نشان می‌دهد که درصد اندکی از آن‌ها دچار اشتباه بنیادی هستند و قریب به اتفاق آن‌ها از این منظر سالم و کاربردی ارزیابی می‌شوند؛ این بدان معناست که برای آماده‌سازی روانی افراد جامعه می‌توان از این ضرب‌المثل‌ها به صورت گسترده در نهادهای آموزشی، رسانه‌های جمعی و... بهره برد؛ در واقع ترویج دوباره‌ی ضرب‌المثل‌هایی که بر داد و "ستد سالم"، "پذیرش سختی برای دست‌یافتن به خواسته‌ها" و "تخصص‌گرایی" و "شایسته‌سالاری در کار" تأکید دارند، می‌تواند نقشی در خور توجه بر وضعیت اقتصادی داشته باشد و فساد اقتصادی و انتصاب افراد بی‌بهره از تخصص را در کشور کاهش دهد و توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ی پارسی زبانان را در پی آورد.



: ۱۲۴۷/۳ ؛ ۱۲۳۲/۳ ؛ ۱۲۴۷/۳ ؛ ۱۲۴۷/۳ ؛ ۱۲۷۲/۳ ؛ ۱۲۵۵/۳ ؛ ۱۲۵۱/۳ ؛ ۱۲۸۰/۳ ؛ ۱۲۸۶/۳  
 : ۱۱۷۲/۳ ؛ ۱۱۷۱/۳ ؛ ۱۱۷۸/۳ ؛ ۱۱۷۴/۳ ؛ ۱۱۸۰/۳ ؛ ۱۱۸۱/۳ ؛ ۱۲۳۸/۳ ؛ ۱۱۸۹/۳ ؛ ۱۲۴۷/۳  
 : ۵۵۱/۱ ؛ ۵۵۳/۱ ؛ ۵۶۵/۱ ؛ ۵۶۵/۱ ؛ ۵۶۷/۱ ؛ ۱۱۷۱/۳ ؛ ۵۶۲/۱ ؛ ۱۱۷۲/۳ ؛ ۱۱۷۲/۳ ؛ ۱۱۷۲/۳  
 : ۴۹۷/۱ ؛ ۴۹۸/۱ ؛ ۵۰۳/۱ ؛ ۵۰۳/۱ ؛ ۵۳۲/۱ ؛ ۵۳۴/۱ ؛ ۵۳۴/۱ ؛ ۵۳۸/۱ ؛ ۵۴۰/۱ ؛ ۵۵۱/۱ ؛ ۵۵۱/۱  
 : ۳۶۱/۱ ؛ ۴۱۹/۱ ؛ ۴۲۴/۱ ؛ ۴۲۷/۱ ؛ ۴۲۷/۱ ؛ ۴۳۲/۱ ؛ ۴۴۶/۱ ؛ ۴۵۱/۱ ؛ ۴۶۱/۱ ؛ ۴۶۱/۱ ؛ ۴۷۸/۱  
 : ۲۱۲/۱ ؛ ۲۹۷/۱ ؛ ۳۳۰/۱ ؛ ۲۳۰/۱ ؛ ۳۷۴/۱ ؛ ۳۹۰/۱ ؛ ۳۹۵/۱ ؛ ۴۰۳/۱ ؛ ۴۰۳/۱ ؛ ۴۰۳/۱ ؛ ۴۱۰/۱  
 : ۱۱۴/۱ ؛ ۱۶۳/۱ ؛ ۵۸۰/۲ ؛ ۱۴۳/۱ ؛ ۵۹۲/۲ ؛ ۵۸۶/۲ ؛ ۵۸۴/۲ ؛ ۱۷۹/۱ ؛ ۲۱۳/۱ ؛ ۲۲۴/۱ ؛ ۲۲۷/۱  
 ۴۴۹/۱ ؛ ۹۵/۱ ؛ ۹۵/۱ ؛ ۹۵/۱ ؛ ۷۹/۱ ؛ ۱۳۷/۱ ؛ ۱۳۹/۱ ؛ ۱۰۰/۱ ؛ ۱۳۲/۱ ؛ ۹۷/۱ ؛ ۱۴۱/۱ ؛ ۱۴۰/۱  
 ۲۳/۱ ؛ ۱۶/۱ ؛ ۱۶/۱ ؛ ۶/۱ ؛ ۶/۱ ؛ ۲۹/۱ ؛ ۶/۱ ؛ ۲۹/۱ ؛ ۱۲۵/۱ ؛ ۱۲۵/۱ ؛ ۳۲/۱ ؛ ۳۴/۱ ؛ ۴۴۹/۱ ؛  
 : ۶۱۶/۲ ؛ ۶۱۲/۲ ؛ ۶۰۲/۲ ؛ ۷۴/۱ ؛ ۶۶/۱ ؛ ۲۱/۱ ؛ ۲۳/۱ ؛ ۲۰/۱ ؛ ۲۵/۱ ؛ ۲۵/۱ ؛ ۳۲/۱ ؛ ۲۷/۱ ؛  
 : ۷۴۱/۲ ؛ ۷۳۰/۲ ؛ ۶۹۳/۲ ؛ ۶۹۳/۲ ؛ ۶۹۲/۲ ؛ ۶۶۶/۲ ؛ ۶۶۳/۲ ؛ ۶۶۳/۲ ؛ ۶۵۲/۲ ؛ ۶۴۸/۲ ؛ ۶۲۱/۲  
 : ۸۷۹/۲ ؛ ۸۷۹/۲ ؛ ۸۷۳/۲ ؛ ۸۷۳/۲ ؛ ۸۷۳/۲ ؛ ۸۷۲/۲ ؛ ۸۵۶/۲ ؛ ۷۸۲/۲ ؛ ۷۵۲/۲ ؛ ۷۵۱/۲ ؛ ۷۵۰/۲  
 : ۹۰۶/۲ ؛ ۱۷۳۵/۴ ؛ ۸۹۷/۲ ؛ ۸۹۷/۲ ؛ ۱۷۲۲/۴ ؛ ۸۸۹/۲ ؛ ۸۸۸/۲ ؛ ۸۸۴/۲ ؛ ۸۸۳/۲ ؛ ۱۷۱۸/۴  
 ۹۷۱/۲ ؛ ۱۷۹۶/۴ ؛ ۱۷۹۱/۴ ؛ ۱۷۸۲/۴ ؛ ۱۷۸۰/۴ ؛ ۱۷۷۰/۴ ؛ ۱۷۶۱/۴ ؛ ۱۷۴۲/۴ ؛ ۹۲۸/۲ ؛ ۹۱۰/۲  
 : ۱۰۵۲/۲ ؛ ۱۰۵۱/۲ ؛ ۱۰۵۱/۲ ؛ ۱۰۵۱/۲ ؛ ۱۸۱۳/۴ ؛ ۱۸۱۳/۴ ؛ ۱۰۰۵/۲ ؛ ۹۹۷/۲ ؛ ۹۷۴/۲ ؛  
 : ۱۰۸۰/۲ ؛ ۱۰۷۵/۲ ؛ ۱۰۷۲/۲ ؛ ۱۸۲۱/۴ ؛ ۱۰۶۰/۲ ؛ ۱۰۵۲/۲ ؛ ۱۰۵۲/۲ ؛ ۱۰۵۲/۲ ؛ ۱۰۵۲/۲  
 : ۱۱۴۲/۲ ؛ ۱۱۳۴/۲ ؛ ۱۱۲۰/۲ ؛ ۱۱۰۸/۲ ؛ ۱۱۰۰/۲ ؛ ۱۰۸۶/۲ ؛ ۱۰۸۵/۲ ؛ ۱۰۸۵/۲ ؛ ۱۰۸۵/۲  
 : ۱۸۹۱/۴ ؛ ۱۸۸۷/۴ ؛ ۱۸۷۰/۴ ؛ ۱۸۶۵/۴ ؛ ۱۸۶۵/۴ ؛ ۱۸۶۵/۴ ؛ ۱۸۶۵/۴ ؛ ۱۸۵۸/۴ ؛ ۱۸۵۷/۴  
 : ۱۹۳۶/۴ ؛ ۱۹۲۲/۴ ؛ ۱۹۲۲/۴ ؛ ۱۹۲۲/۴ ؛ ۱۹۱۵/۴ ؛ ۱۹۰۵/۴ ؛ ۱۹۰۲/۴ ؛ ۱۸۹۲/۴ ؛ ۱۸۹۱/۴  
 : ۱۹۶۲/۴ ؛ ۱۹۶۲/۴ ؛ ۱۹۵۷/۴ ؛ ۱۹۵۳/۴ ؛ ۱۹۵۰/۴ ؛ ۱۹۴۵/۴ ؛ ۱۹۳۹/۴ ؛ ۱۹۳۸/۴ ؛ ۱۹۳۷/۴  
 : ۲۰۱۱/۴ ؛ ۲۰۰۳/۴ ؛ ۱۳۹۵/۳ ؛ ۱۳۳۵/۳ .

۶. ضرب‌المثل‌های متعددی پیرامون موضوع تخصص‌گرایی در کار در امثال و حکم وجود دارد

که سالم ارزیابی می‌شوند(دهخدا، ۱۳۹۰: ۲۰۰۱/۴: ۱۵۰۴/۳ ؛ ۱۱۸۲/۳ ؛ ۱۹۷۳/۴ ؛ ۱۲۷۲/۳ ؛  
 : ۱۱۸۲/۳ ؛ ۱۲۶۶/۳ ؛ ۱۲۶۶/۳ ؛ ۱۲۶۶/۳ ؛ ۱۵۰۱/۳ ؛ ۱۵۱۳/۳ ؛ ۱۵۱۶/۳ ؛ ۱۵۱۷/۳ ؛ ۱۵۲۴/۳  
 : ۳۲۹/۱ ؛ ۳۶۰/۱ ؛ ۲۱۲/۱ ؛ ۴۱۹/۱ ؛ ۴۴۴/۱ ؛ ۳۹۴/۱ ؛ ۱۱۸۳/۳ ؛ ۴۸۳/۱ ؛ ۱۱۷۲/۳ ؛ ۱۱۸۲/۳  
 : ۱۶۲/۱ ؛ ۱۴۹/۱ ؛ ۵۷۹/۲ ؛ ۵۷۹/۲ ؛ ۵۷۹/۲ ؛ ۵۷۳/۲ ؛ ۵۹۷/۲ ؛ ۵۸۵/۲ ؛ ۲۲۵/۱ ؛ ۵۸۴/۲ ؛ ۳۱۷/۱  
 : ۹۸/۱ ؛ ۱۲۵/۱ ؛ ۱۲۹/۱ ؛ ۱۳۸/۱ ؛ ۱۳۵/۱ ؛ ۱۳۹/۱ ؛ ۱۴۲/۱ ؛ ۱۵۷/۱ ؛ ۱۵۷/۱ ؛ ۱۶۲/۱ ؛ ۱۶۴/۱

۱۰۸/۱ ؛ ۱۴۱/۱ ؛ ۱۴۴/۱ ؛ ۶۵/۱ ؛ ۶۴/۱ ؛ ۷۴/۱ ؛ ۷۴/۱ ؛ ۷۴/۱ ؛ ۷۴/۱ ؛ ۱۸/۱ ؛ ۳۱/۱ ؛ ۵۳/۱ ؛  
۲۶/۱ ؛ ۲۶/۱ ؛ ۳۳/۱ ؛ ۴۷/۱ ؛ ۶۰۸/۲ ؛ ۶۱۲/۲ ؛ ۶۱۷/۲ ؛ ۶۱۸/۲ ؛ ۶۲۲/۲ ؛ ۶۴۰/۲ ؛ ۶۵۹/۲ ؛  
۶۹۱/۲ ؛ ۷۲۶/۲ ؛ ۷۲۶/۲ ؛ ۷۹۷/۲ ؛ ۸۴۵/۲ ؛ ۸۶۹/۲ ؛ ۸۶۹/۲ ؛ ۱۷۲۰/۴ ؛ ۸۸۱/۲ ؛ ۸۸۲/۲ ؛ ۸۸۹/۲ ؛  
۱۷۳۵/۴ ؛ ۹۰۴/۲ ؛ ۹۶۵/۲ ؛ ۱۷۸۵/۴ ؛ ۱۷۹۱/۴ ؛ ۹۷۴/۲ ؛ ۹۷۴/۲ ؛ ۹۷۴/۲ ؛ ۹۸۲/۲ ؛ ۱۸۰۴/۴ ؛  
۱۸۰۶/۴ ؛ ۱۸۱۳/۴ ؛ ۱۱۱۸/۲ ؛ ۱۱۵۷/۲ ؛ ۱۱۵۷/۲ ؛ ۱۱۵۷/۲ ؛ ۱۱۶۴/۲ ؛ ۱۱۶۵/۲ ؛ ۱۱۷۰/۲ ؛  
۱۱۷۰/۲ ؛ ۱۹۳۳/۴ ؛ ۱۹۳۳/۴ ؛ ۱۳۶۱/۳ ؛ ۱۳۶۱/۳ ؛ ۱۳۶۱/۳ ؛ ۱۹۴۱/۴ ؛ ۱۳۳۷/۳) .

## منابع

۱. آدلر، آلفرد (۱۳۷۹) *شناخت طبیعت انسان*، ترجمه‌ی طاهره جواهرساز، چاپ اول، تهران: رشد.
۲. آزاد ارمکی، تقی و ترکارانی، مجتبی و ایرج حق‌نادر، (۱۳۹۲) «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، سال اول، شماره‌ی ۱: ۳۴-۹.
۳. امانی، احمد (۱۳۸۵) «ضرب‌المثل درمانی و درمان شناختی - رفتاری»، *تازه‌های روان‌درمانی*، سال یازدهم، شماره‌های پیاپی ۴۱ و ۴۲: ۱۱۷-۹۴.
۴. باقری، بهادر و سادینا امینی (۱۳۹۴) «حکومت و سیاست در آیین‌های ضرب‌المثل‌های فارسی»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال ششم، شماره‌ی ۱: ۴۶-۲۷.
۵. جوانمرد، کمال و مهناز نجیب‌زاده (۱۳۹۱) «بررسی مردم‌شناختی ویژگی‌های فرهنگی و اقلیمی در ضرب‌المثل‌های شهر کرمان»، *ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین*، سال دوم، ش ۱: ۳۷-۶۰.
۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰) *امثال و حکم*، ۴جلدی، چاپ هجدهم، تهران: امیرکبیر.
۷. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶) «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، *فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی*، سال هشتم، ش ۲: ۵۲-۲۷.
۸. رضوانیان، محمدحسن (۱۳۵۶) «سخنی در زمینه‌ی امثال (طرز طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌ها و استفاده از آن در مطالعه‌ی تطبیقی خصوصیات اخلاقی ملل)»، *مجله‌ی هنر و مردم*، سال پانزدهم، شماره‌های پیاپی ۱۸۴ و ۱۸۵: ۱۰۲-۹۸.
۹. سهراب‌زاده، مهران و بهجت یزدخواستی (۱۳۸۸) «مطالعه‌ی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال ششم، شماره‌ی پیاپی ۱۴: ۹۰-۶۳.
۱۰. سهراب‌زاده، مهران (۱۳۷۱) «عناصر فرهنگ سیاسی عامه»، *ماه‌نامه‌ی فرهنگ سیاسی توسعه*، سال اول، ش ۳: ۶۳ - ۶۰.
۱۱. شازف، ریچارد (۱۳۸۴) *نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره*، ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت، چاپ دوم، تهران: رسا.



۱۲. شولتز، دوان پی. و سیدنی الن شولتز (۱۳۹۴) *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی، چاپ سی و دوم، تهران: ویرایش.
۱۳. عباسیان، علی‌اکبر (۱۳۸۷) *فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی (مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران در آینه‌ی امثال و حکم)*، چاپ اول، تهران: نشر اختران.
۱۴. غفاری‌فرد، عباسقلی (۱۳۹۲) *تاریخ‌پژوهی در آسیب‌شناسی اخلاقی ایرانی‌ها*، چاپ اول، تهران: نشر دات.
۱۵. فاطمی، جمیله (۱۳۹۰) «بررسی و تحلیل منطقی لغزش‌های فکری خرد عامه در ضرب‌المثل‌ها فارسی»، *کهن‌نامه‌ی ادب پارسی*، سال دوم، شماره‌ی اول: ۸۷-۹۹.
۱۶. فدایی‌پور، زهرا (۱۳۸۲) «حوزه‌ی ضرب‌المثل‌ها و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها»، *فرهنگ مردم ایران*، سال اول، ش ۱: ۵۴-۵۸.
۱۷. قاسملو، مجتبی (۱۳۹۲) *آسیب‌شناسی ضرب‌المثل‌های ایرانی*، چاپ اول، تهران: زوآر.
۱۸. قبادی، علیرضا (۱۳۹۲) «فولکلور ابزاری برای مطالعات فرهنگی (نمونه‌ی مورد مطالعه ضرب‌المثل‌های همدانی)»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال دهم، شماره‌ی پیاپی ۳۰: ۱۷۹-۱۵۵.
۱۹. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۶) «هنجارهای ارتباطی در ضرب‌المثل‌ها و یازده قرن اشعار فارسی»، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، سال هشتم، شماره‌ی ۳: ۱۷۹-۱۵۳.
۲۰. نورد بی، ورنون و کالوین هال (۱۳۷۹) *راهنمای زندگی‌نامه و نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ*، ترجمه‌ی احمد به‌پژوه و رمضان دولتی، چاپ سوم، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت.

#### منابع لاتین

21. Adler, Alfred (2009) **Social Interest: A Challenge to Mankind**, Translated by John Linton, M.A. and Richards Vaughn, London: Oneworld Publications.
22. Adler, Alfred (2013) **The Science of Living**, New York: Routledge.
23. Mosak, Harold h. & Maniaci, Michael (2010) "Adlerian Psychotherapy", In Raymond j. Corsini & Danny Wedding (Eds). **Current psychotherapies**, Ninth edition, (3th ed., pp 67-112), United States: BROOKS/COLE.